

رابطه بین هوش هیجانی و مکانیسم‌های دفاعی

در بین زوج‌های در آستانه طلاق و عادی

احمد یارمحمدیان^۱، فاطمه ریحانی*^۲، زهرا قادری^۳

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، تبیین رابطه هوش هیجانی و مکانیسم‌های دفاعی زوج‌های در آستانه طلاق و عادی بود. روش پژوهش به کار برده شده در این تحقیق، روش همبستگی می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش را کلیه زوج‌های در آستانه طلاق و عادی شهر اصفهان در سال ۹۰-۱۳۸۹ تشکیل می‌دادند که تعداد ۱۰۰ نفر (۵۰ زوج عادی و ۵۰ زوج در آستانه طلاق) به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. ابزار مورد استفاده در این پژوهش را دو پرسشنامه هوش هیجانی بار-ان و پرسشنامه سبک‌های دفاعی تشکیل دادند. داده‌های به دست آمده با استفاده از روش آماری ضریب همبستگی پیرسون و ضریب رگرسیون چندگانه مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد که میان هوش هیجانی و مکانیسم‌های دفاعی زوج‌های در آستانه طلاق رابطه معناداری وجود دارد ($P < 0/05$) اما میان هوش هیجانی و مکانیسم‌های دفاعی زوج‌های عادی رابطه معناداری به دست نیامد. بنابراین زوج‌های در آستانه طلاق چون از توان عاطفی پایین‌تری برخوردارند بیشتر تنیدگی حس می‌کنند و لذا از مکانیسم‌های دفاعی بیشتر از زوج‌های عادی استفاده می‌نمایند؛ در حالی که زوج‌های عادی به دلیل توان عاطفی بالا میزان به کارگیری مکانیسم‌های دفاعی کمتر از زوج‌های در آستانه طلاق بود. در حقیقت هوش هیجانی بالاتر به فرد این امکان را می‌دهد که در حیطه ناهشیار بهتر بتواند به مدیریت، شناخت، تنظیم و ارزیابی هیجان‌ها بپردازد.

واژه‌های کلیدی: هوش هیجانی، مکانیسم‌های دفاعی، سبک‌های دفاعی، زوج‌های عادی، زوج‌های در آستانه طلاق.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱ استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، گروه روانشناسی، مرودشت، ایران.

۲ دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، گروه روانشناسی، فارس، ایران.

۳ استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، گروه مشاوره، مرودشت، ایران.

* نویسنده‌ی مسئول مقاله، elhamir.2012@yahoo.com

مقدمه

همراه با شروع قرن بیست و یکم، جوامع با معضلات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بسیاری مواجه می‌باشند. رخدادها و تحولاتی که در قرن حاضر در زمینه‌های مختلف اتفاق می‌افتد، از حوادث مهم و شگفت‌انگیز تاریخ حیات بشری به حساب می‌آیند. دگرگونی‌ها بر ابعاد و جوانب مختلف زندگی تأثیری عمیق گذاشته، به نحوی که شیوه زندگی و طرز تفکر در پی آن تغییر کرده و اندیشه‌های جدیدی را پدید آورده است. از جمله نهادهایی که تحت تأثیر این تحولات قرار گرفته است، خانواده می‌باشد. خانواده به‌عنوان کوچک‌ترین واحد اجتماعی، اساس تشکیل جامعه و حفظ عواطف انسانی می‌باشد (اکبرزاده، ۱۳۸۳). دستیابی به جامعه سالم، آشکارا در گرو سلامت خانواده و تحقق خانواده سالم مشروط به برخورداری افراد آن از سلامت روانی و داشتن رابطه مطلوب با یکدیگر است. از این رو، سالم‌سازی اعضای خانواده و رابطه‌هایشان، بی‌گمان اثرهای مثبتی را در جامعه به‌دنبال خواهد داشت. کمک به زوج‌ها برای حل مشکلات زناشویی مستلزم شناخت عوامل و علل موثر بر نارضایتی و رضایت زناشویی است. رضایت یا نارضایتی تحت تأثیر عوامل متعددی از جمله نحوه تفکر، ادراک فرد از خود و دیگران، انتظارات فرد از زندگی، ویژگی‌های شخصیتی و هیجانات قرار دارد (اکبرزاده، ۱۳۸۳).

شواهد فراوان نشان می‌دهد که زوج‌ها در جامعه امروزی در برقراری و حفظ روابط صمیمی و درک احساسات از جانب همسرشان با مشکلات فراگیر و متعددی دچارند. رضازاده (۱۳۹۰) به این نتیجه رسید که میزان سازگاری زناشویی زوج‌های دارای مهارت‌های ارتباطی قوی در ابعاد مختلف روابط زناشویی، به‌طور معناداری بیشتر از زوج‌های دارای مهارت‌های ارتباطی ضعیف است. گلزاری و جعفریزدی (۱۳۸۴) در تحقیقی به این نتیجه رسیدند زنانی که توانایی تشخیص و ابراز هیجان خود و تشخیص هیجان‌های دیگران را داشته و نیز دارای خصوصیات هم‌چون خوش‌بینی، شادکامی، توانایی حل مسئله، کنترل تکانه، خودشکوفایی، استقلال و همدلی بودند، در زندگی زناشویی خود از سازگاری بیشتری برخوردار بودند. نتایج تحقیقات حاکی از آن است که کفایت‌های عاطفی توان تحمل تنیدگی و حل مشکلات روزانه را افزایش می‌دهد و نقش به‌سزایی در تداوم و رضایت از زندگی ایفا می‌کند (محرابیان، ۲۰۰۰ به نقل از فرقدانی، ۱۳۸۳). مشکلات زناشویی و در پی آن طلاق نه تنها پایه‌های خانواده را متزلزل می‌کند، بلکه مهم‌تر از آن رشد عاطفی و اجتماعی و سازگاری بعدی آنها را نیز دچار مشکل می‌سازد. روند افزایش طلاق در سال‌های اخیر اهمیت موضوع را بیش از پیش خاطر نشان می‌سازد. طبق بررسی‌های انجام شده در ۱۸۹۰ حدود ۱۰٪ از ازدواج‌های ثبت شده به طلاق منتهی گشتند؛ اما برای زوج‌های جوانی که در سال ۱۹۹۰ زندگی مشترک خود را آغاز کردند، احتمال اینکه ازدواج به طلاق بینجامد به سطح سرسام آور ۶۷٪

افزایش یافته است. با لحاظ این آمار، از هر ۱۰ زوج تازه ازدواج کرده در این سال، فقط ۳ زوج می‌تواند به بقای ازدواج خود امیدوار باشد(گلمن^۱، ۱۳۸۰).

با توجه به آنچه گذشت، این پرسش پیش می‌آید که چه عواملی در پدید آمدن این ناسازگاری‌ها نقش دارند؟ چه عواملی به آن تداوم می‌بخشند؟ و چرا بعضی از زوجها می‌توانند با موفقیت آنها را حل کنند؟ در حالی که برخی دیگر ناتوانند؟ با شناسایی عوامل خطرزا در زندگی زناشویی و کنترل آنها می‌توان آینده‌ی روشنی را برای جامعه رقم زد. از جمله این عوامل خطرزا، شناسایی جنبه‌های عاطفی و ابراز و درک متقابل آن از طریق زوجها می‌باشد که تحت تاثیر هوش هیجانی^۲ می‌باشد(گلمن، ۱۳۸۰). زمانی که زوجها در به‌کارگیری هوش هیجانی در حفظ تعامل لذت بخش وسازگاران، دچار اشکال یا کمبود می‌شوند، آسیب‌های روانی آنان شدت می‌یابد و در عملکرد سازگاران نسبت به همدیگر ضعف نشان می‌دهند و به همین دلیل ناخودآگاه از مکانیسم‌های روانی استفاده می‌کنند. هوش هیجانی تحول جدیدی در فهم رابطه بین عقل و هیجان به وجود آورده است. طرفداران هوش هیجانی بر این باورند که برای پیش‌بینی عملکرد فردی، هوش هیجانی نسبت به هوش عمومی توان بیشتری دارد(گلمن، ۱۹۹۸، سالووی و واسلاتیر^۳، ۱۹۹۷؛ واینیگر^۴، ۱۹۹۷، به نقل از تی لم و کریبی^۵، ۲۰۰۲).

منظور از مکانیسم‌های دفاعی^۶ شیوه‌های غیر ارادی و ناخودآگاهانه هستند که [من] بکار می‌گیرد تا از طریق تحریف یا انکار واقعیت، موفق به کاهش اضطراب و مدارا با هیجانات منفی شده و به صورت موقت تعادل و یکپارچگی شخصیت را تا یافتن راه‌حل واقعی حفظ نماید. مکانیسم‌های دفاعی دارای ویژگی‌هایی هستند؛ از جمله ناخودآگاه بودن و عدم آگاهی فرد از فعالیت آنها در رفع اضطراب، داشتن قدرت سازگاری که باعث تطابق بهتر فرد با عوامل نامساعد می‌شود، نوعی خودفریبی تلقی می‌شوند، زیرا صرفاً شیوه ادراک فرد را از موقعیت عوض می‌کنند و استفاده مفرد از آنها نشانه ناسازگاری شخصیت است(احمدوند، ۱۳۸۲).

به نظر می‌آید که مطالعات انجام شده، گویای وجود رابطه میان هوش هیجانی و مکانیسم‌های دفاعی در زوجها در آستانه طلاق و عادی باشد. برای مثال قائدی و همکاران(۱۳۸۷) در تحقیقی به این نتیجه رسیدند که میان سبک‌های دفاعی رشد یافته و خرده مقیاس‌های هوش هیجانی و میان سبک‌های دفاعی روان آزرده و خرده مقیاس‌های هوش هیجانی

1 Golman

2 Emotional Intelligence

3 Salvey & Slayter

4 Weisinger

5 Thilam & Kerby

6 Defense Mechanisms

همبستگی مثبت وجود دارد. همچنین اکبری و همکاران (۱۳۸۷) در تحقیقی به این نتیجه رسیدند که میان نمره‌های کامل هوش هیجانی، زیرمقیاس ادراک هیجانی و پذیرش اعتیاد رابطه منفی معناداری وجود دارد. با کنترل اثر هوش هیجانی و مولفه‌های آن، مکانیسم‌های دفاعی رشد یافته و رشد نیافته و پذیرش اعتیاد به ترتیب رابطه منفی و مثبت معناداری مشاهده شد. بنابراین، سازه هوش هیجانی می‌تواند نقش متغیر میانجی نیرومندی را بین ویژگی‌های هیجانی و پذیرش اعتیاد ایفا نماید. سیارونچی، چان و کاپوتی^۱ (۲۰۰۰) رابطه مثبتی بین هوش هیجانی و رضایتمندی زناشویی، همدلی و کیفیت ارتباط یافتند (وال^۲، ۲۰۰۳). در واقع، هوش هیجانی، فرد را قادر می‌سازد تا بتواند احساسات خود را شناخته و آن را به صورت مطلوبی ابراز و اداره کند. هوش هیجانی در شناخت و درک هیجان‌ها دیگران و دیدن چشم اندازشان به فرد کمک می‌کند. همین‌طور مکانیسم‌های دفاعی شیوه‌هایی هستند که فرد با دنیای خارج از خودش ارتباط برقرار می‌کند. مثلاً نحوه ارتباط با همکاران و خانواده را تعیین می‌کنند. مکانیسم‌های دفاعی مختلفی وجود دارد که افراد در زندگی و در ارتباط با دیگران از آنها استفاده می‌کنند. افرادی که از هوش هیجانی بالایی برخوردار هستند، کمتر از مکانیسم‌های دفاعی در زندگی‌شان استفاده می‌کنند و یا از مکانیسم‌های دفاعی رشد یافته مانند والایش، فرونشانی، شوخ طبعی، پیشاپیش نگری و... استفاده می‌کنند و زوج‌هایی که در آستانه طلاق قرار داشته و در زندگی مشکلات ارتباطی دارند، چون اغلب افراد توانایی آگاه بودن و فهم احساس خود و دیگران و توانایی تشخیص و تعریف مشکلات را ندارند بیشتر از مکانیسم‌های دفاعی رشد نیافته مانند دلیل تراشی، فرافکنی، انکار، همه کار توانی، جابجایی و... استفاده می‌کنند و در سطح حادث‌تر آن کسانی هستند که مشکلات شخصیتی دارند و از هوش هیجانی بسیار پایینی برخوردار بوده و احتمالاً از مکانیسم‌های دفاعی روان آزرده مانند ابطال، عقلانی‌سازی، دیگر دوستی کاذب و... استفاده می‌کنند.

با توجه به ناکافی بودن تحقیقاتی که بتواند این نتایج را روشن کند و تحقیقات اندکی در مورد مکانیسم‌های دفاعی صورت گرفته و همچنین به دلیل اهمیت سالم‌سازی روابط عاطفی زوجها در سازگاری و سلامت روانی آنان هدف اصلی این تحقیق عبارت از تبیین میزان رابطه هوش هیجانی و مولفه‌های آن با مکانیسم‌های دفاعی مورد استفاده و زیرمولفه‌های آن در زوج‌های در آستانه طلاق و زوج‌های عادی می‌باشد. برای رسیدن به این هدف، فرضیات زیر مورد بررسی قرار گرفت: ۱- بین هوش هیجانی و مکانیسم‌های دفاعی زوج‌های در آستانه طلاق رابطه وجود دارد.

۲- بین هوش هیجانی و مکانیسم‌های دفاعی زوج‌های عادی رابطه وجود دارد.

1 Ciarrochi, Chan & Caputi

2 Drwal

روش

با توجه به اهداف پژوهش و به منظور آزمودن فرضیه‌ها، در این پژوهش از روش علی مقایسه‌ای استفاده شد.

جامعه آماری شامل کلیه زوج‌های مراجعه‌کننده به دادگاه خانواده شهر اصفهان برای درخواست طلاق و کلیه زوج‌های عادی شهر اصفهان در سال ۹۰-۱۳۸۹ می‌باشد. نمونه مورد نظر در این پژوهش ۵۰ زوج درخواست‌کننده طلاق از زوج‌های مراجعه‌کننده به دادگاه خانواده شهر اصفهان بوده است که به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده از دادگاه خانواده انتخاب شده‌اند و ۵۰ زوج، از زوج‌های تحت پوشش انجمن اولیاء و مربیان آموزش و پرورش شهر اصفهان که به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شده‌اند، بوده است که به این ترتیب ابتدا از پنج ناحیه آموزش و پرورش شهر اصفهان، یک ناحیه (سه) به طور تصادفی انتخاب گردید و از بین دبیرستان‌های این ناحیه، یک دبیرستان به طور تصادفی انتخاب گردید و تعداد ۵۰ زوج به طور تصادفی گزینش شدند. ملاک انتخاب نمونه شامل درخواست طلاق و ثبت در دادگاه و زیر ۵ سال تجربه ازدواج و محدوده سنی (۲۰-۳۰) بوده است. این دو گروه نمونه از نظر خصوصیات جمعیت شناختی نظیر (طبقه اقتصادی، تحصیلات، دامنه سنی) کنترل شده‌اند.

ابزارهای پژوهش

پرسشنامه هوش هیجانی بار-آن^۱: این پرسشنامه دارای ۱۱۷ عبارت و ۱۵ خرده مقیاس می‌باشد که توسط بار-آن بر روی ۳۸۳۱ نفر از ۵ کشور (آرژانتین، آلمان، هند، نیجریه و آفریقای جنوبی) که ۴۸/۸٪ آنان مرد و ۵۱/۲٪ آنان زن بودند، اجرا شد و به طور نظام‌دار در آمریکای شمالی هنجاریابی گردید (بار-آن، ۱۹۹۷). نتایج حاصل از هنجاریابی نشان داد که این پرسشنامه از اعتبار و روایی مناسبی برخوردار است. پاسخ‌های پرسشنامه بر روی یک مقیاس ۵ درجه‌ای در طیف لیکرت (کاملاً موافقم، موافقم، تاحدودی، مخالفم و کاملاً مخالفم) تنظیم شده است که به ترتیب از ۵ به ۱ نمره‌گذاری می‌شود و در بعضی از سوالات برعکس نمره داده می‌شود. نمره کل هر مقیاس برابر با مجموع نمرات هریک از سوال‌های آن مقیاس و نمره کل آزمون برابر با مجموع نمرات ۱۵ مقیاس می‌باشد. زیرمقیاس‌های پرسشنامه عبارتند از: خودآگاهی هیجانی^۲، خودابرازی^۳، احترام به خود^۴،

1 Bar-on emotional Intelligence Inventory (BEII)

2 Emotional Self Awareness (ES)

3 Assertiveness (AS)

4 Self-Regard (SR)

خودشکوفایی^۱، استقلال^۲، همدلی^۳، مسئولیت پذیری اجتماعی^۴، رابطه بین فردی^۵، واقع آزمایی^۶، انعطاف پذیری^۷، حل مسئله^۸، تحمل استرس^۹، کنترل تکانه^{۱۰}، خوش بینی^{۱۱}، شادمانی^{۱۲}. این پرسشنامه بر روی دانشجویان ایرانی (دهشیری، ۱۳۸۲) مورد هنجاریابی قرار گرفته و تعداد عبارت های آن به ۹۰ عبارت کاهش یافته است و پایایی این پرسشنامه از طریق محاسبه آلفای کرونباخ برای دانشجویان پسر ۰/۷۴ و برای دانشجویان دختر ۰/۶۷ و برای کل افراد ۰/۹۳ گزارش شده است. همچنین ضریب پایایی به روش زوج و فرد ۰/۸۸ به دست آمد. روایی این پرسشنامه نیز با روش تحلیل عاملی اکتشافی در پژوهش دهشیری (۱۳۸۲) محاسبه شد که از بین ۱۳ عامل در ساختار عاملی نمونه آمریکای شمالی (بار- آن، ۱۹۹۷)، هشت عامل برای آزمودنی های ایرانی روایی داشت. همچنین بین میانگین نمره هریک از خرده مقیاس ها و میانگین نمره کل پرسشنامه، رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد؛ یعنی تمام خرده مقیاس های موجود در پرسشنامه با متغیر هوش هیجانی دارای ارتباط مستقیم است و لذا اعتبار بالایی دارد.

پرسشنامه سبک های دفاعی^{۱۳}: پرسشنامه سبک های دفاعی رفتار دفاعی را به وسیله ارزیابی تجربی مشتقات هشیار مکانیسم های دفاعی در زندگی روزمره مورد سنجش قرار می دهد (سن مارتینی^{۱۴} و همکاران، ۲۰۰۴). با توجه به مشکلات DSQ-72 نسخه جدید دیگری (DSQ) (40) توسط آندروز و همکاران در سال ۱۹۹۳ تدوین گردید که شامل ۴۰ سوال بود و ۲۰ مکانیسم دفاعی را در سه سطح مکانیسم های دفاعی رشد یافته، مکانیسم های دفاعی رشد نیافته و مکانیسم های دفاعی روان آزرده مورد ارزیابی قرار داد (آندروز و همکاران، ۱۹۹۳، موریس و مرکلیچ^{۱۵}، ۱۹۹۶ و سینا و واتسون^{۱۶}، ۲۰۰۴). مقیاس نمره گذاری به صورت لیکرت می باشد که فرد به هر

-
- 5 Self-Actualization(SA)
 - 2 Independence(IN)
 - 3 Empathy(EM)
 - 4 Social Responsibility(RE)
 - 7 Interpersonal Relationship(IR)
 - 8 Reality Testing(RT)
 - 9 Flexibility(FL)
 - 8 Problem Solving(PS)
 - 9 Stress Tolerance(ST)
 - 10 Impulse Control(IC)
 - 11 Optimism(OP)
 - 12 Happiness(HA)
 - 13 Defense Styles Questionnaire(DSQ)
 - 14 San Martini
 - 1 Muris & Merckelbach
 - 16 Sinha & Watson

سوال میزان موافقت خود را در یک مقیاس ۹ درجه‌ای اعلام می‌کند. فرد در هریک از مکانیسم‌های دفاعی نمره‌ای بین ۲ تا ۱۸ به‌دست می‌آورد، در هرکدام از مکانیسم‌های دفاعی که نمره فرد از ۱۰ بیشتر شود، به معنی استفاده فرد از آن مکانیسم است و در سبک‌های کلی میانگین نمرات فرد در هر سبک مشخص شده و با نمره میانگین فرد در سبک‌های دیگر مقایسه می‌شود. فردی دارای سبک دفاعی است که بیشترین میانگین را داشته باشد(هایاشی^۱ و همکاران، ۲۰۰۴). پرسشنامه سبک‌های دفاعی ۴۰ سوالی در کشورهایی چون ژاپن، فرانسه، برزیل، پرتغال و ایران مورد ارزیابی قرار گرفته است. پرسشنامه سبک‌های دفاعی ۴۰ سوالی در ایران نیز توسط حیدری نسب(۱۳۸۵) مورد بررسی و هنجاریابی قرار گرفت. مراحل هنجاریابی به‌طور کلی بعد از برگردان پرسشنامه به زبان فارسی و رفع نواقص آن به لحاظ ادبی در دو بخش روایی و اعتبار پیگیری شد. جهت بررسی روایی همزمان، همبستگی مکانیسم‌ها با ویژگی‌های شخصیتی براساس پرسشنامه ۵ عاملی شخصیتی نئو^۲ مورد مطالعه قرار گرفت. روایی سازه پرسشنامه نیز براساس محاسبه همبستگی هر ماده(عبارت) با مکانیسم و سبک مرتبط، مورد ارزیابی قرار گرفت. بنابر یافته‌های مربوط به روایی، مشخص شد که پرسشنامه همانند نسخه اصلی از روایی مطلوبی برخوردار است(حیدری نسب، ۱۳۸۵).

یافته‌ها

جدول شماره ۱ میانگین وانحراف معیار هوش هیجانی و مکانیسم‌های دفاعی و مولفه‌های آن را در گروه زوج‌های عادی و زوج‌های در آستانه طلاق نشان می‌دهد. جدول شماره ۱ نشان می‌دهد که از میان پاسخگویان سبک دفاعی رشد نایافته بالاترین میانگین را در میان پاسخگویان دارا است. زوج‌های در آستانه طلاق از این سبک بیشتر استفاده می‌کنند. زوج‌های در آستانه طلاق از این سبک بیشتر استفاده می‌کنند. به‌طور کلی زوج‌های در آستانه طلاق از سبک‌های دفاعی بیشتر از زوج‌های عادی استفاده می‌کنند و زوج‌های عادی از هوش هیجانی بیشتری نسبت به زوج‌های در آستانه طلاق برخوردار هستند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1 Hayashi
2 NEO-FFI

جدول ۱- میانگین وانحراف معیار هوش هیجانی و مکانیسم های دفاعی و مولفه های آن در دو گروه

مکانیسم دفاعی	گروه شاخص	حجم نمونه	میانگین	انحراف معیار
سبک رشدنا یافته	عادی	۵۰	۱۰۱/۴	۲۰/۹۸
	در آستانه طلاق	۵۰	۱۴۶/۹۴	۳۵/۹۴
سبک رشدیافته	عادی	۵۰	۴۶/۱۶	۹/۳۲
	در آستانه طلاق	۵۰	۳۷/۸۴	۱۳/۳۲
سبک روان آزرده	عادی	۵۰	۴۳/۷۶	۹/۱۲
	در آستانه طلاق	۵۰	۵۲/۶۲	۱۰/۴۷
مکانیسم دفاعی (کل)	عادی	۵۰	۱۹۱/۳۲	۲۸/۳۶
	در آستانه طلاق	۵۰	۲۳۷/۴	۳۷/۴۸
هوش هیجانی کل	عادی	۵۰	۳۴۹	۴۶
	در آستانه طلاق	۵۰	۲۶۲/۱۲	۷۹/۳۸

$$P < 0/05$$

به منظور بررسی میزان همبستگی هوش هیجانی و مکانیسم های دفاعی در دو گروه زوج های در آستانه طلاق و عادی از ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردیده که ماتریس همبستگی آنها در جدول شماره دو نشان داده شده است:

جدول ۲- نتایج آزمون همبستگی هوش هیجانی و مکانیسم های دفاعی در دو گروه

متغیر تحت بررسی	گروه	ضریب همبستگی	هوش هیجانی
مکانیسم رشد یافته	در آستانه طلاق	۰/۶۶۷	سطح معناداری
	عادی	-۰/۱۲۵	
مکانیسم رشد نایافته	در آستانه طلاق	-۰/۶۲۲	
	عادی	۰/۰۹۱	
مکانیسم روان آزرده	در آستانه طلاق	۰/۲۴۹	
	عادی	-۰/۰۸۹	
سبک دفاعی	در آستانه طلاق	-۰/۶۲۰	
	عادی	۰/۰۰۶	

$$P < 0/05$$

همانگونه که جدول دو نشان می دهد، بین مکانیسم رشدیافته و هوش هیجانی زوج های در آستانه طلاق رابطه مثبت و معنی دار وجود دارد ($P < 0/05$). بین مکانیسم رشدنا یافته و هوش

هیجانی رابطه معنی‌دار است؛ اما این رابطه معکوس بوده زیرا هوش هیجانی این افراد خوب پرورش نیافته و لذا از سبک‌های دفاعی رشد نیافته بیشتر استفاده می‌کنند. هر چقدر میزان هوش هیجانی پایین‌تر باشد، همبستگی آن با مکانیسم‌های دفاعی رشد نیافته بیشتر است ($P < 0/05$). جهت بررسی تاثیر جداگانه و همزمان متغیرهای مکانیسم دفاعی بر هوش هیجانی زوج‌های در آستانه طلاق از تحلیل رگرسیون چندگانه به روش گام به گام استفاده شده است که نتایج آن در جداول زیر آورده شده است:

جدول ۳- خلاصه نتایج تحلیل رگرسیون پیش‌بینی مکانیسم دفاعی از هوش هیجانی

مراحل ورود متغیرها	متغیر	R	R ²	مقدار F	SigF	مقدار اضافه شده به R ²	Beta	T	Sig T
۱	رشد نیافته	۰/۶۱	۰/۳۷	۵۹/۸۴	۰/۰۰۱	۰/۶۱۶	۰/۶۱	۷/۷۳	۰/۰۰۱
۲	رشد یافته	۰/۶۲	۰/۳۸	۳۰/۲۵۹	۰/۰۰۱	۰/۰۰۴	۰/۵۱۸	۵/۹۱۸	۰/۰۲۴

جدول شماره سه تحلیل رگرسیون چندگانه را به شیوه گام به گام برای متغیر ملاک نشان می‌دهد. داده‌ها نشان‌دهنده آن هستند که از میان متغیرها مکانیسم‌های دفاعی رشد نیافته و رشد یافته به ترتیب وارد معادله شده‌اند. مکانیسم دفاعی روان‌آزرده با هوش هیجانی رابطه معنی‌داری نداشت و وارد معادله نشد. زیرا افرادی که از مکانیسم دفاعی روان‌آزرده استفاده می‌کنند هوش هیجانی پایینی دارند.

معادله رگرسیون براساس ضریب بتا $Y = 0/616(\text{رشد نیافته}) + 0/518(\text{رشد یافته})$

جدول ۴- خلاصه نتایج تحلیل رگرسیون پیش بینی خرده مقیاس های هوش هیجانی
برسبک دفاعی زوج های در آستانه طلاق

مرحل ورود متغیرها	متغیر	R	R ²	مقدار F	Sig F	مقدار اضافه شده به R ²	Beta	T	Sig T
۱	استقلال	۰/۶۵۶	۰/۴۳	۷۴/۱۶	۰/۰۰۱	---	۰/۶۵۶	۸/۶۱	۰/۰۰۱
۲	استقلال، شادمانی	۰/۶۸۱	۰/۴۶	۴۱/۹۵	۰/۰۰۱	۰/۰۳۰	۰/۶۸۶	۲/۴۴	۰/۰۱۶
۳	استقلال، شادمانی، احترام به خود	۰/۶۹۸	۰/۴۸	۳۰/۴۶	۰/۰۰۱	۰/۰۴۲	۰/۷۲۸	۲/۱۱۸	۰/۰۳۷
۴	استقلال، شادمانی، احترام به خود، روابط بین فردی	۰/۷۲۶	۰/۵۲	۲۶/۴۴	۰/۰۰۱	۰/۰۷	۰/۷۹۸	۲/۸۰۳	۰/۰۰۶

جدول ۴ نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه را به شیوه گام به گام برای متغیر ملاک نشان می دهد. داده ها نشان دهنده آن هستند که از میان متغیرهای خرده مقیاس هوش هیجانی، استقلال، شادمانی، احترام به خود و روابط بین فردی در معادله تاثیر داشته اند. بقیه خرده مقیاس ها در معادله تاثیری نداشتند.

معادله رگرسیونی براساس ضریب بتا:

$$Y = ۰/۶۵۶(\text{استقلال}) + ۰/۲۹(\text{شادمانی}) + ۰/۳(\text{احترام به خود}) + ۰/۳۶(\text{روابط بین فردی})$$

بحث و نتیجه گیری

هدف از این پژوهش، تبیین میزان ارتباط هوش هیجانی با مکانیسم های دفاعی در زوج های در آستانه طلاق بود. یافته ها نشان داد که بین مکانیسم رشدیافته و هوش هیجانی زوج های در آستانه طلاق رابطه معناداری وجود دارد. همچنین بین مکانیسم رشد نیافته و هوش هیجانی رابطه معکوس وجود دارد. یعنی با بالا رفتن هوش هیجانی از مکانیسم دفاعی رشد نیافته کمتر استفاده می شود. ولیکن این رابطه بین هوش هیجانی و مکانیسم روان آزرده وجود ندارد. این یافته با یافته های حاجی آقازاده (۱۳۸۵)، اکبری و همکاران (۱۳۸۷) همسو است. حاجی آقازاده (۱۳۸۵) در تحقیق خود به این نتیجه رسید که هوش هیجانی با مکانیسم دفاعی رشد یافته همبستگی مثبت معنی دار و با مکانیسم دفاعی رشد نیافته همبستگی منفی معنادار دارد. همچنین اکبری و همکاران (۱۳۸۷) با کنترل اثر هوش هیجانی و مولفه های آن، بین مکانیسم های دفاعی رشد یافته و

رشد نیافته و پذیرش اعتیاد به ترتیب رابطه منفی و مثبت معناداری مشاهده کردند. بنابراین این نتیجه را می‌توان این‌گونه تبیین نمود که سطح هیجانات فرد به‌طور ناخودآگاه مکانیسم‌های دفاعی را تحت تاثیر قرار می‌دهد. هیجان‌ها قسمت مهمی از شبکه ارتباطات را شامل می‌شوند. نقص در شناخت، ابراز، تنظیم و مهار هیجان‌ها موجب نقص در ارتباط فرد با دیگران می‌شود. دفاع‌ها نیز به عنوان قسمتی از یک مجموعه الگوهای ارتباطی و شناختی نگریسته می‌شوند که در بافت ارتباطی نزدیک با اشخاص مهم گسترش می‌یابد. بنابراین با کاهش در هوش هیجانی در این شبکه ارتباطی خلل ایجاد شده و در نتیجه سیستم دفاعی فرد به خوبی گسترش نمی‌یابد و فرد بیشتر از مکانیسم‌های دفاعی رشد نیافته استفاده می‌کند.

از نتایج دیگر پژوهش این بود که رابطه هوش هیجانی و مکانیسم‌های دفاعی در زوج‌های عادی نشان داد که بین هوش هیجانی و مکانیسم‌های دفاعی در زوج‌های عادی رابطه معناداری وجود نداشت. این نتیجه را می‌توان این‌گونه تبیین نمود که زوج‌های عادی که از سلامت روان بیشتری برخوردارند، نیاز کمتری به مکانیسم‌های دفاعی دارند اما این رابطه بین هوش هیجانی و سبک دفاعی رشد یافته و رشد نیافته در بین زوج‌های در آستانه طلاق وجود دارد. این رابطه معکوس می‌باشد؛ این بدان معنی است که با افزایش هوش هیجانی استفاده از مکانیسم‌های دفاعی کاهش می‌یابد. این یافته با یافته قائدی و همکاران (۱۳۸۷) همسو است. نتایج تحقیقات قائدی و همکاران (۱۳۸۷) نشان داد که بین سبک‌های دفاعی رشد یافته و خرده مقیاس‌های هوش هیجانی و بین سبک‌های دفاعی روان‌آزرده و خرده مقیاس‌های هوش هیجانی همبستگی مثبت وجود دارد. این یافته‌های پژوهش را می‌توان بر حسب چند احتمال تبیین کرد: هوش هیجانی بالاتر به فرد این امکان را می‌دهد که در حیطه ناهشیار بهتر بتواند به مدیریت، شناخت، تنظیم و ارزیابی هیجان‌ها بپردازد. هوش هیجانی فعالیت حوزه ناهشیاری از جمله مکانیسم‌های دفاعی [من] را تحت تاثیر قرار می‌دهد (بشارت و همکاران، ۱۳۸۰). در نتیجه فردی که هوش هیجانی بالاتری دارد، می‌تواند از مکانیسم‌های رشد یافته استفاده کند.

تحلیل رگرسیون جهت پیش‌بینی متغیر مکانیسم‌های دفاعی در زوج‌های در آستانه طلاق به‌وسیله خرده‌مقیاس‌های هوش هیجانی نشان داد که استقلال، شادمانی، احترام به‌خود و روابط بین فردی خرده‌مقیاس‌های پیش‌بینی‌کننده معناداری برای مکانیسم‌های دفاعی زوج‌های در آستانه طلاق بودند و بقیه خرده‌مقیاس‌ها در پیش‌بینی تاثیر نداشتند. همچنین تحلیل رگرسیونی پیش‌بینی متغیر هوش هیجانی توسط مکانیسم‌های دفاعی در زوج‌های در آستانه طلاق نشان داد که مکانیسم رشد یافته و رشد نیافته بیشترین قدرت پیش‌بینی را داشته و مکانیسم روان‌آزرده نمی‌تواند متغیر ملاک را پیش‌بینی نماید. نتایج رگرسیون نشان داد که سبک‌های دفاعی رشد یافته

می‌تواند به‌طور قابل توجهی هوش هیجانی را پیش‌بینی کند. این نتیجه را می‌توان این‌گونه تبیین نمود زوج‌هایی که از سبک‌های دفاعی بیشتر استفاده می‌کنند، اضطراب بیشتری دارند و از هوش هیجانی پایین‌تری برخوردار هستند. زیرا هوش هیجانی با افزایش قدرت حل مسئله، تحمل فشار روانی، احساس خود شکوفایی و افزایش عزت نفس می‌تواند بر نحوه و مکانیسم‌های دفاعی مورد استفاده در افراد تاثیر بگذارد و آنها را بهبود بخشد. بنابراین در صورتی که زوجها بتوانند مهارت‌های هوش هیجانی خود را بهبود بخشند، آنگاه می‌توانند از مکانیسم‌های رشد یافته در زندگی بهره ببرند. هوش هیجانی می‌تواند رفتارها را هدایت کند.

مکانیسم‌های دفاعی در حقیقت تحریف‌کننده واقعیت هستند و میزان تحریف واقعیت در دفاع‌های رشد نیافته و روان‌آزرده بیشتر از دفاع‌های رشد یافته است. هرچه میزان تحریفات شناختی یک دفاع بیشتر باشد، به‌دنبال آن از میزان آگاهی هوشیارانه کاسته می‌شود و در نتیجه تلاش کمتری جهت مقابله با تحریفات شناختی انجام می‌شود (برد^۱، ۲۰۰۴). با افزایش هوش هیجانی استفاده از مکانیسم‌های دفاعی شوخ‌طبعی و احتمالا مکانیسم‌های دفاعی رشد یافته دیگر افزایش می‌یابد. اما با کاهش هوش هیجانی استفاده از مکانیسم‌های دفاعی پرخاشگری و احتمالا مکانیسم‌های رشد نیافته دیگر افزایش می‌یابد. هوش هیجانی زوج‌ها و شیوه حل مسئله مثبت، مستقیماً رضایت زناشویی را پیش‌بینی می‌کنند. شیوه‌های حل تعارض نامناسب، کناره‌گیری، تسلیم و درگیری در تعارض به‌طور معکوس، رضایت زناشویی را پیش‌بینی می‌کنند (دویر ۲۰۰۵). نتایج پژوهش حاضر به‌بالاتر بودن هوش هیجانی در زوج‌های عادی اشاره دارد. همچنین تفاوت در میانگین‌ها نشان‌دهنده استفاده بیشتر زوج‌های عادی از مکانیسم‌های دفاعی رشد یافته در مقایسه با زوج‌های در آستانه طلاق می‌باشد.

سانیتو (۲۰۰۷) به این نتیجه رسید که بین مولفه‌های هوش هیجانی بالا و رضایت زناشویی رابطه وجود دارد. خامنه (۱۳۸۲) به این نتیجه رسید که همبستگی مثبت معنی‌داری بین هوش هیجانی و رضایت زناشویی وجود دارد. همچنین از بین مولفه‌های هوش هیجانی به ترتیب خودآگاهی، مهارت‌های اجتماعی، خودکنترلی و همدلی همبستگی مثبت معنی‌داری با رضایت زناشویی دارند. همچنین نتایج مودی و ویگین (۱۹۸۳) نشان داد، همسرانی که توانایی درک و پذیرش احساسات و افکار یکدیگر را دارند، از زندگی خود راضی‌تر و خوشنودترند (گلزاری، ۱۳۸۴). انعطاف‌پذیری از اجزای هوش هیجانی است (بارون و پارکر، ۲۰۰۰)؛ به این معنی که هرچه هوش هیجانی فرد بالاتر باشد، از انعطاف‌پذیری بیشتری برخوردار است. از طرفی انعطاف‌پذیری نیز با مکانیسم‌های دفاعی مرتبط است. افراد دارای انعطاف‌پذیری از مکانیسم‌های سازش‌یافته‌تر و

رشد یافته‌تر استفاده می‌کنند. بنابراین افزایش هوش هیجانی می‌تواند با افزایش در انعطاف‌پذیری فرد به استفاده مناسب‌تر و سازش یافته‌تر از مکانیسم‌های دفاعی منجر شود. همچنین افرادی که هوش هیجانی بالاتری دارند، می‌توانند هیجان‌ها و احساسات خود را بدون ایجاد ناراحتی برای خود و دیگران به نحو مناسب‌تر و موثرتر ابراز کنند. به‌طور کلی نتایج پژوهش حاضر هماهنگ با یافته‌های سایر مطالعات نشان می‌دهد که برخی از مولفه‌های هوش هیجانی و سبک‌های دفاعی می‌توانند ارتباط بین رضایت زناشویی و استحکام خانواده را تسهیل نمایند و افراد را در برابر فشارهای روانی مدیریت کنند و از بروز مشکلات روانی-اجتماعی پیشگیری نمایند. انسان به‌وسیله هوش هیجانی قادر است فشارهای زندگی که بخشی از آن بعد هیجانی دارد را مدیریت نماید و به حل مساله به‌صورت بهینه نایل شود. این یافته‌ها می‌توانند در تکوین و رشد رویکردهای آموزشی و بالینی سودمند واقع شوند. با توجه به مشکلات متعددی که این زوج‌های در آستانه طلاق داشتند و در وضعیت روحی مناسبی نبودند، در تکمیل پرسشنامه‌ها به دلیل وجود سوالات زیاد که یکی از محدودیت‌های این پژوهش بود، پیشنهاد می‌شود که اجرای پژوهش‌های مشابه با استفاده از نمونه‌های مختلف در دیگر مناطق انجام پذیرد تا تعمیم نتایج از اعتبار بیشتری برخوردار گردد.

منابع

- احمدوند، محمدعلی، (۱۳۸۲). *بهداشت روانی*، چاپ چهارم، تهران: انتشارات پیام نور.
- اکبری، سعید، رستمی، رضا، زارعان، مصطفی (۱۳۸۷). *رابطه هوش هیجانی و مکانیسم‌های دفاعی با اعتیاد*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی بالینی دانشگاه شهید بهشتی.
- اکبرزاده، نسرین، (۱۳۸۳). *هوش هیجانی: دیدگاه سالووی و دیگران*، تهران: انتشارات فارابی.
- بشارت، محمدعلی. شریفی، ماندانا. و ایروانی، محمد (۱۳۸۰). *بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و مکانیسم‌های دفاعی*. *مجله روان‌شناسی*. ۵ (۳) و صص ۲۸۹-۲۷۷.
- حاجی آقازاده نوری، م (۱۳۸۵). *بررسی رابطه هوش هیجانی با مکانیسم‌های دفاعی و هوش عمومی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی. دانشگاه تهران.
- حیدری، نسب، لیلا (۱۳۸۵). *مقایسه مکانیسم‌های دفاعی در نمونه‌های بالینی و غیر بالینی بر اساس هنجاریابی و یافته‌های مبتنی بر روان‌سنجی پرسشنامه ایرانی سبک‌های دفاعی (DSQ)*. رساله دکتری بالینی. دانشگاه تربیت مدرس.
- خامنه، مهری (۱۳۸۲). *بررسی رابطه هوش هیجانی و رضایت زناشویی در معلمان زن دوره راهنمایی شهر تهران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی. تهران: دانشگاه علامه.
- دهشیری، غلامرضا (۱۳۸۲). *هنجاریابی پرسشنامه هوش هیجانی بار- آن در دانشجویان دانشگاه‌های تهران*: پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی.
- رضازاده، محمدرضا (۱۳۹۰). *رابطه مهارت‌های ارتباطی و سازگاری زناشویی در دانشجویان*. *روان‌شناسی معاصر*. ۳ (۱) صص ۵۰-۴۲.

فرق‌دانی، آزاده، (۱۳۸۳)، *رابطه بین هوش هیجانی و سازگاری اجتماعی دانشجویان دختر دوره کارشناسی دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته روان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی تهران.*

قنادی، ق؛ ثابتی آزاد؛ رستمی، رضا؛ شمس، ج (۱۳۸۷). ارتباط بین هوش هیجانی و مکانیسم‌های دفاعی. *دانشور پزشکی، سال پانزدهم، شماره ۷۴، صص ۴۱-۵۰.*

گلزاری، محمود، جعفر یزدی، حمید، (۱۳۸۴)، *هوش هیجانی و سازگاری زناشویی در زنان متأهل شاغل آموزش و پرورش، مجله خانواده‌پژوهی، سال اول، شماره ۴، صص ۳۹۲-۳۷۹.*

گلمن، دانیل، (۱۳۸۰)، *هوش هیجانی، خودآگاهی، خویشتنداری، همدلی و یاری به دیگران. ترجمه، نسرين پارسا، تهران: انتشارات رشد.*

Andrews, G. Singh, M., and Bond, M. (1993). The defense style questionnaire. *Journal of Nervous and mental Disease*, 181(4), 246-56.

Bar-On, R. (1997). *Bar-on Emotional Quotient Inventory*. Toronto: Multi Health System Inc.

Bar-on, R. (2000). Emotional and social intelligence Insights form the Emotional Quotient Inventory (EQ-i). In R. Bar-on and J. D. A. Parker (Eds), *Hand Book of emotional intelligence*. San Francisco: Jossey-Bass.

Blaya, C., Kipper, L., Heldt, H., Isolan, L., Ceitlin, L. H., Bond, M., and Manfro, G. G. (2004). Brazilian-Portuguese version of the Defense Style Questionnaire (DSQ-40) for defense mechanisms measure: A preliminary study. *Rev Bras Psiquiatr*, 26 (4): 255-8.

Bonsack, C., Despland, J. N., and Spagnoli, J. (1996). *Psychometric feature of the French version of Defense Style Questionnaire (DSQ)*. *European Psychiatry*, 11, 384s.

Brad, B (2004). Psychological Defence Mechanisms: A new perspective. *American Journal of Psychoanalysis*, 64 (1) : 1

Chabrol, H., Rousseau, A., Rodgers, R., Callahan, S., Pirlot, G., and Sztulman, H. (2005). A study of the face validity of the 40 item version of the Defense Style Questionnaire (DSQ-40). *Journal of Nervous and mental Disease*, 193(11), 756-8.

Ciarrochi, J. Chan, A., Caoputi, P. (2000). A critical evaluation of the emotional intelligence construct. *Personality and Individual Differences*. 28. 293-567.

Connor, K.M. Davidson, J.R. Churchill, L.E. Sherweed, A. Foa, e.b (2000). *Psychometric properties of the Social Phobia Inventory (SPIN)*. *The British journal of Psychiatry*, 176: 379-386.

Dwyer, M. T. (2005). Emotional intelligence and conflict resolution style as predictors of marital satisfaction in the first year of marriage. University of Kentucky. AAT 3178510.

Drwal, J. (2003). The relationship among attachment styles, empathic accuracy and relationship satisfaction. Unpublished doctoral dissertation, university connecticut.

Hayashi, M., Miyake, Y., and Minakawa, K. (2004) Reliability and validity of the Japanese edition of the Defense Style Questionnaire 40. *Psychiatry Clinical Neurosciences*, 58 (2) 152-6. (Abstract retrieved from www.Pubmed.gov).

- Muris, P., Merckelbach, H. (1996). The short version of the Defense Style Questionnaire: factor structure and psychopathological correlates. *Person. Individ. Diff.* 20(1), 123-126.
- San Martini, P., Roma, R., Sarti, S., Lingiardi, V., and Bond, M. (2004). Italian version of the Defense Style Questionnaire. *Comprehensive Psychiatry*, 45 (6), 483-494.
- Sannito, M. J. (2007). The effect of exotional intelligence on marital satisfaction: Is there a protective function to the satisfying marriage? Capella university, AAT 3284060.
- Sinha, B. K., Watson, D. C. (2004). Personality disorder clusters and the Defense Style Questionnaire. *Psychology and Psychotherapy*, 77, 55-66.
- Thilam, L., and Kerby, S. (2002). Is emotional intelligence advantage? *The Journal of Social Psychology*, 142 (1). 133-142.





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی